

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور تهران
دانشکده علوم انسانی

عنوان:

مقایسه روایی تشخیصی نسخه نوین هوش آزمای تهران - استانفورد - بینه و نسخه چهارم مقیاس هوش

وکسلر کودکان در کودکان با ناتوانی یادگیری نارساخوانی در خراسان شمالی

استاد راهنما :

دکتر مجید صفاری نیا

استاد مشاور:

دکتر حسین زارع

پژوهشگر:

محسن خسروی

پایان نامه

جهت اخذ کارشناسی ارشد

رشته روانشناسی عمومی

آبان ۹۲

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

سپاسگزاری:

با تقدیر و تشکر از تمامی استادان دلسوز و بزرگواری دانشگاه پیام نوربه ویژه (دانشکده علوم انسانی) تهران جنوب که بدون هیچ چشمداشتی و با اخلاص کامل با کمک های بی نظیر خود من را در انجام این تحقیق یاری نمودند.

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف مقایسه روایی تشخیصی نسخه نوین هوش آزمای تهران استانفورد - بینه با نسخه فارسی چهارمین ویرایش مقیاس های هوشی وکسلر کودکان در ناتوانی یادگیری اجرا شد. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش آموزان مشکوک به ناتوانی یادگیری است که در سال ۹۲-۹۱ به شش مرکز اختلالات یادگیری در استان خراسان شمالی مراجعه کردند. حجم نمونه این پژوهش ۱۲۰ نفر (۶۰ نفر دختر و ۶۰ نفر پسر) از دانش آموزان مقطع ابتدایی مشکوک به ناتوانی یادگیری از نوع نارسا خوانی می باشد. روش نمونه گیری از نوع هدفمند بوده و برای جمع آوری داده های این پژوهش از نسخه پنجم هوش آزمای تهران استانفورد - بینه که شامل ۱۰ خرده آزمون در حیطه های کلامی و غیر کلامی و نسخه چهارم مقیاس هوش وکسلر کودکان با ۱۵ خرده آزمون در چهار شاخص فهم کلامی، استدلال ادراکی، حافظه فعال و سرعت پردازش می باشد، استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش منحنی راک برای مشخص کردن نقطه برش ابزارهای فوق و تعیین روایی تشخیصی با تأکید بر ضریب حساسیت و ضریب وضوح گرایبی استفاده شده است. یافته ها معرف این بود که با توجه به مقایسه روایی تشخیصی تهران - استانفورد بینه و ویرایش فارسی چهارمین مقیاس هوش وکسلر کودکان عامل حافظه فعال به عنوان مهم ترین ملاک تشخیص احتمالی ناتوانی یادگیری به کار می رود. پس از آن خرده آزمون های شاخص فهم کلامی، دیگر ملاک تشخیص احتمالی ناتوانی یادگیری است.

کلید واژه ها: ناتوانی یادگیری، نسخه چهارم مقیاس هوش وکسلر کودکان، نسخه نوین هوش آزمای تهران - استانفورد بینه، روایی تشخیصی.

فصل اول

کلیات پژوهش

۱. ۱	مقدمه	۲
۱. ۲	تعریف و بیان مسأله	۵
۱. ۳	اهمیت و ضرورت تحقیق	۸
۱. ۴	اهداف تحقیق	۱۰
۱. ۵	تعریف متغیرها	۱۱

فصل دوم:

ادبیات و پیشینه تحقیق

۲. ۱	مقدمه	۱۹
	روایی و انواع آن	۲۱
۲. ۲	ناتوانی یادگیری	۳۲
۲. ۳	علل ناتوانی یادگیری	۴۵
۲. ۴	اختلال خواندن	۴۸
۲. ۵	مقیاس هوشی استنفورد - بینه	۶۸
۲. ۶	مقیاس های هوشی	
	وکسلر کودکان	۸۲
۲. ۷	مبانی و چارچوب نظری	۸۹
۲. ۸	پیشینه پژوهش	۱۰۷

فصل سوم

روش شناسی تحقیق

۳. ۱	طرح پژوهش	۱۲۵
۳. ۲	جامعه پژوهش	۱۲۶
۳. ۳	نمونه و طرح نمونه گیری	۱۲۶

۱۲۶	۳.۴	ابزار اندازه‌گیری.....
۱۳۴	۳.۵	روش اجرای پژوهش.....
۱۳۵	۳.۶	مدل‌های آماری پژوهش.....

فصل چهارم

۱۳۷	۴.۱	تحلیل‌های توصیفی مرتبط با شاخص‌های آماری خرده‌آزمون‌های هوش آزمای تهران- استانفورد- بینه در نمونه‌های ناتوانی یادگیری.....
۱۴۰	۴.۲	تحلیل‌های روانسنجی مرتبط با روایی تشخیصی نسخه نوین هوش آزمای تهران استانفورد - بینه.....
۱۴۹	۴.۳	تحلیل‌های توصیفی مرتبط با شاخص‌های آماری خرده‌آزمون‌های مقیاس هوشی وکسلر در نمونه‌های ناتوانی یادگیری.....
۱۵۲	۴.۴	تحلیل‌های روانسنجی مرتبط با روایی تشخیصی مقیاس هوشی وکسلر.....
۱۵۵	۴.۵	یافته‌ها.....

فصل پنجم

۱۵۸	۵.۱	بحث و نتیجه‌گیری.....
۱۶۳	۵.۲	محدودیت‌های تحقیق.....
۱۶۳	۵.۳	پیشنهادات تحقیق.....
۱۶۵		منابع.....

فصل اول

کلیات پژوهش

۱.۱ مقدمه

۱.۲ تعریف و بیان مسئله

۱.۳ اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

۱.۴ اهداف تحقیق

۱.۵ تعریف متغیرها

با پیدایش روانشناسی در نیمه دوم قرن نوزدهم دو جریان علمی متمایز تکوین یافتند. اولی منجر به پیدایش روانشناسی تجربی و دومی منجر به پیدایش روان سنجی شد. روانشناسی تجربی، در پی کشف قوانین کلی رفتار بود، بنابراین از تحقیق در زمینه تفاوت‌های فردی اجتناب می کرد. روان سنجی برعکس به اندازه گیری تفاوت‌های فردی می پرداخت ، سعی می نمود تا کیفیات روانی را به کمیت های عددی و عینی تبدیل کند. یک چنین نگرشی حداقل دو حسن داشت : اول اینکه به روانسنج ها اجازه می داد تا ابعاد مختلف توانایی های روانی هر فرد را جداگانه ارزیابی کنند و دریابند که آنان در کدام بعد وسعت یافته و در کدام بعد ضعیف اند . دوم اینکه هر فرد را با گروهی که متعلق به آن است، مقایسه کنند ، موقعیت وی را در بین سایر افراد گروه مشخص کنند. زاویه دید اخیر منجر به ابداع آزمون های روانی شد (بهرامی ، ۱۳۸۷).

وبه طور کلی، به منظور مطالعه تفاوت های فردی نیز در فرایند های شناختی دو رویکرد پژوهشی توسعه یافته است . نخستین رویکرد، رویکرد تحول شناختی است که فرایند تحول شناختی را بر مبنای سیستم های پردازش اطلاعات تبیین می کند و رویکرد دوم ، رویکرد هوش است که بر شناسایی فرایند های شناختی همبسته با تفاوت های فردی در هوش تأکید دارد . پژوهش هایی که تفاوت های پردازش بین افراد بهنجار و افراد دارای ناتوانی یادگیری هوشی خفیف را بررسی می کنند ، عمدتاً^۱ بر رویکرد هوش استوارند (کرامر^۱ ، پیرسل^۲ و گلاور^۳ ، ۱۹۹۰).

عارضه ناتوانی یادگیری مسئله ای جهانی است که در همه زبان ها ، فرهنگ ها و ملت های دنیا دیده می شود . یافته های پژوهش ها نشان می دهد که در همه ی فرهنگ ها کودکانی وجود دارند که به نظر می رسد هوش طبیعی داشته باشند، اما در یادگیری زبان شفاهی ، اکتساب مهارت های خواندن یا نوشتن ،

^۱ - kramer

^۲ -pearsel

^۳ -glower

یا حل مسائل ریاضی دچار مشکلات جدی هستند. در حال حاضر ناتوانی یادگیری به منزله علت اصلی مشکلات شدید یادگیری شناخته شده است و مشخص شده است، ناتوانی های یادگیری در مراحل مختلف زندگی تأثیرات متفاوتی در افراد باقی می گذارد. کودکان پیش دبستانی، دانش آموزان دوره دبستان، نوجوانان و بزرگسالان مشکلات و خصوصیات متفاوتی دارند. محدوده سنی ناتوانی های یادگیری به مرور زمان گسترش یافته است و هرگروه سنی نیازمند اقدامات و راهبرد های تدریسی متفاوتی است. بیشتر دانش آموزان دچار ناتوانی یادگیری (حداقل هشتاد درصد آن ها) مشکلاتی در خواندن دارند. ضعف در خواندن به مشکلات متعدد دیگری منتهی می شود (لرنر^۱، ۱۹۹۷).

بتمن اعتقاد داشت کودکانی که ناتوانی یادگیری دارند، کسانی هستند که از نظر آموزشی تفاوت معنی-داری بین توانمندی ذهنی و سطح عملکرد واقعی شان مشاهده می شود. این افراد همواره اختلالات بنیادی مرتبط با فرایند یادگیری را نشان می دهند و ممکن است، علت این ناتوانی با بدکارکردی سیستم اعصاب مرکزی همراه باشد یا نباشد. در ضمن، این اختلالها از نشانه های ثانویه عقب ماندگی ذهنی، محرومیت آموزشی یا فرهنگی، اختلال های هیجانی شدید، یا محرومیت حسی نیستند (بتمن، ۱۹۶۵).

در زمینه تعریف ناتوانی یادگیری تحولی، کرک شاخص های چندگانه ای را برای محدودسازی آن در نظر گرفته است که به شرح زیر عنوان می شوند: ناتوانی های یادگیری تحولی، با خوشه ای از مهارت های پیش نیاز^۲ سروکار دارد که کودک برای کسب و اندوزش یادگیری در موضوعات متفاوت درسی به آنها نیازمند است. یک کودک برای اینکه بیاموزد چگونه باید نامش را بنویسد، به چندین مهارت پیش نیاز در زمینه های ادراکی نیاز دارد. علاوه بر آن، کودک در راستای فراگرفتن نوشتن نام خویش، باید هماهنگی حرکتی بین چشم و دست را ارتقاء و حافظه توالی دیداری^۳ را توسعه دهد. برای کسب مهارت خواندن،

^۱ -lerner

^۲ - Prerequisite

^۳ - Visual Sequential Memory

یک کودک باید با استناد به ادراک شنوایی و بینایی، توانایی تمایز ادراک بینایی و شنوایی را توسعه بخشد و قابلیت‌های حافظه شنوایی و بینایی، زبان و سایر عملیات ذهنی را تکمیل نماید. خوشبختانه این عملکردها در بیشتر کودکان به اندازه کافی تحول می‌یابند؛ به طوری که قادرند موضوعات درسی را یاد بگیرند. فقط زمانی که اینگونه کارکردهای شناختی مختل شده‌اند و دیگر کودک نمی‌تواند از طریق کارکردهای شناختی جبرانی در زمینه‌های دیگر، اینگونه نواقص را مرتفع سازد، آنگاه در فرایند خواندن، نوشتن، دیکته یا انجام محاسبات ریاضی با مشکل روبه‌رو خواهد شد (کرک، ۱۹۸۱).

از طریق نسخه تجدید نظر شده آزمون وکسلر کودکان می‌توان احتمال بروز ناتوانی یادگیری را در نظر گرفت، بدین ترتیب که اگر حداقل یک انحراف معیار نمره هوشبهر کلامی پایین‌تر از هوشبهر عملی باشد و هوشبهر کل آزمودنی در سطح بهنجار و بالاتر از آن قرار داشته باشد، می‌توان به تشخیص ناتوانی یادگیری توجه نمود. به بیان دیگر در مواردی که تفاوت معنی‌داری بین عملکرد آزمودنی در زمینه‌های کلامی و غیر کلامی در آزمون وکسلر مشاهده شود باید به تشخیص ناتوانی یادگیری پرداخته و مدارکی را در این زمینه ارائه نمود (شهیم، ۱۳۸۷).

همچنین با استفاده از نسخه‌ی نوین هوش آزمای تهران استنفورد - بینه می‌توان به شناسایی کودکان با ناتوانی یادگیری پرداخته و نه تنها احتمال بروز ناتوانی یادگیری بلکه نمره‌ای را در زمینه توانایی خواندن با میانگین ۱۰۰ و انحراف معیار ۱۵ در محورهای ترکیبی آزمون بدست آورد (جاوید نیا، ۱۳۸۹).

بنابراین در این تحقیق به مقایسه‌ی روایی تشخیصی نسخه چهارم مقیاس هوش وکسلر کودکان و نسخه نوین هوش آزمای تهران استنفورد - بینه از طریق تحلیل نمودار پراکنش خرده آزمون‌ها و عوامل سازنده‌ی مقیاس هوش وکسلر کودکان و نسخه نوین هوش آزمای تهران استنفورد بینه در تشخیص ناتوانی یادگیری پرداخته می‌شود.

۱.۲ تعریف و بیان مسأله :

اختلال های یادگیری زمانی تشخیص داده می شوند، که پیشرفت فرد در آزمونهای استاندارد شده فردی برای خواندن، ریاضیات و بیان نوشتاری اساساً "پایین تر از سطح سنی، هوشی و تحصیلی مورد انتظار باشد . امکان دارد که اختلال های یادگیری با روحیه ضعیف، عزت نفس پایین و کمبودهایی در مهارتهای اجتماعی همراه باشند (انجمن روانپزشکی آمریکا ، ۲۰۰۰) .

کودکان با ناتوانی های یادگیری، به رغم دریافت آموزش کافی، داشتن بهره هوشی بهنجار ، فقدان مشکلات عاطفی و هیجانی و فقدان مشکلات بینایی و شنوایی قادر به یادگیری حروف و کلمه ها از طریق آموزش های رایج در مدارس عادی نیستند (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۲).

گاه استعداد این کودکان چنان فوق العاده است که تیز هوش و مستعد شناخته می شوند . ویژگی های تیز هوشی شامل خود جوشی ، کنجکاوی ، قدرت تخیل ، شور و ذوق بی حد و حصر و حساس بودن است و همین خصوصیات اغلب در کودکان دچار ناتوانی یادگیری مشاهده می شود . غالباً " به نظر می رسد کودکان دچار ناتوانی یادگیری مانند کودکان تیز هوش نیاز به فعالیت زیادی دارند . ممکن است در نظر آنان محیط معمولی کلاس بدون جاذبه یا توجه کردن به آموزش کلاس درس مشکل باشد . اگر نیاز های یادگیری آنها برآورده نشود، ممکن است با بی قراری ، بی توجهی و حتی رفتار های از هم گسیخته واکنش نشان دهند(لرنر، لوونتال^۱، ۱۹۹۵).

تعداد کودکان دچار ناتوانی یادگیری در محدوده سنی ۹ تا ۱۴ سالگی بیشتر از سنین دیگر است. ناتوانی های یادگیری اکثر کودکان پیش از ۹ سالگی تشخیص داده نمی شود و کاهش تعداد افراد در سنین ۱۳ تا ۱۹ سالگی مربوط به ترک تحصیل تعداد زیادی از نوجوانان دچار ناتوانی های یادگیری می باشد.

^۱-lwuntal

برآورد های مربوط به میزان شیوع ناتوانی های یادگیری فاصله زیادی با یکدیگر دارند، از ۱ تا ۳۰ درصد دانش آموزان را شامل می شوند . تعداد کودکان و نوجوانانی که ناتوانی های یادگیری در آنان تشخیص داده می شود تا حد زیادی به معیار های تعیین واجد شرایط بودن دانش آموز برای دریافت خدمات بستگی دارد. اگر معلم بخواهد مشکل دانش آموز را واقعا درک و به او در حل آن کمک کند ، باید ارزیابی و آموزش را در کنار یکدیگر انجام دهد (لرنر، ۱۹۹۷).

به منظور ارزیابی این نوع دانش آموزان از جمله آزمون های بروز که درسال های اخیر در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است هوش آزمای تهران - استنفورد بینه است . با شناخت دقیق ویژگی های نسخه نوین هوش آزمای تهران - استنفورد بینه می توان به توانمندی بالاتری را در اندازه گیری توانایی های شناختی کودکان، کارکردهای شناختی مرتبط با تیزهوشی، کم توان ذهنی و از همه مهم تر ناتوانی یادگیری دست یافت و بستر مناسبی برای ارائه آموزش های ویژه در گروه کودکان استثنایی خردسال ، فراهم کرد (کامکاری، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر همواره وکسلرنیز به عنوان یک مقیاس تشخیصی برای ناتوانی یادگیری مطرح می شود نمودار پراکنش خرده آزمون های شناختی سهم و نقش قابل توجهی در زمینه های تشخیصی داراست . با این وجود به راحتی نمی توان به روایی تشخیصی مقیاس های وکسلر کودکان برای تشخیص ناتوانی یادگیری تأکید داشت و باید به گونه ای دقیق از پژوهش های مستند استفاده نمود. هرچند که با استفاده از نمودارپراکنش خرده آزمون ضریب تشخیص در دامنه ای ۵۰-۵۵ جای دارد (واتکینز^۱، ۲۰۰۸).

از آنجائی که در ایران ابزارهای مناسبی برای شناسایی کودکان ناتوان یادگیری وجود ندارد و برخی اوقات آزمون هوشی ریون، مقیاسهای قدیمی آزمون هوشی وکسلر که قدمت آنها بیش از سی سال است و از رده خارج می باشند، به کار برده می شود. ضروریست تا از فن آوری نوین در توسعه دانش کشورهای

¹ - Watkins

جهان اسلام استفاده شود و بتوان به شاخص های روانسنجی نسخه نوین هوش آزمای تهران - استنفورد
بینه و نسخه چهارم مقیاس هوش وکسلر کودکان، در گروه کودکان ناتوان یادگیری دست یافت ، تا از این
طریق نهضت سنجش استثنایی توسعه یافته و بتوان چارچوب علمی و تحقیقاتی مناسبی را برای شناسایی
کودکان ناتوان یادگیری و پس از آن نیاز سنجی و سپس برنامه ریزی در این حوزه، بدست آورد (کامکاری
و افروز ، ۱۳۸۹).

و همچنین با توجه به کمبود اطلاعات مناسب در زمینه ی چگونگی تشخیص و غربالگری کودکان با ناتوانی
یادگیری و ابهامات گوناگون پیرامون ویژگی های روان سنجی^۱ ابزارهای تشخیصی در حیطه ی کودکان
استثنایی و از آنجا که، نمی توان از ابزارهای معتبر روان شناختی در خارج از کشور به صورت صنعت
مونتاژ بهره مند شد. در راستای استاندارد سازی و بهره گیری کاربردی از ابزارهای مزبور در حیطه های
تشخیص کودکان استثنایی، سردرگمی ها، خلل نظری و فقدان یافته های تجربی مشاهده می شود. بنابراین
فقدان اطلاعات جامع پیرامون ویژگی های روان سنجی از یک سو و از همه مهمتر روایی - تشخیصی از
سوی دیگر ابهامات گوناگونی را در راستای تشخیص ناتوانی یادگیری به وسیله وکسلر چهار کودکان
و نسخه نوین هوش آزمای تهران استنفورد - بینه به وجود آورده است و سؤالات اصلی تحقیق به شرح زیر
مطرح می شود:

روایی تشخیصی نسخه نوین هوش آزمای تهران - استنفورد بینه در کودکان ناتوان یادگیری چگونه
است؟

روایی تشخیصی نسخه چهارم مقیاس هوش وکسلر کودکان در کودکان ناتوان یادگیری چگونه است؟

سؤالات فرعی نیز به شرح زیر عنوان می شود:

^۱-psychometric properties

ضریب حساسیت نسخه نوین هوش آزمای تهران استنفورد بینه دردانش آموزان ناتوان یادگیری چگونه است؟

ضریب وضوح گرایی نسخه نوین هوش آزمای تهران استنفورد بینه دردانش آموزان ناتوان یادگیری چگونه است؟

ضریب حساسیت نسخه چهارم مقیاس هوش وکسلر کودکان در دانش آموزان ناتوان یادگیری چگونه است؟

ضریب وضوح گرایی نسخه چهارم مقیاس هوش وکسلر کودکان در دانش آموزان ناتوان یادگیری چگونه است.

۱.۳ اهمیت و ضرورت تحقیق :

تشخیص و شناسایی دانش آموزان ناتوان در یادگیری به عنوان گروهی از کودکانی که نیازمند آموزش و پرورش ویژه هستند ، امری بسیار مهم و در عین حال فوق العاده حیاتی است. این مشکل معمولاً " بعد از آنکه کودک مدتی در مدرسه عادی مشغول به تحصیل می شود، ظاهر می گردد. تشخیص دقیق این عارضه به وسیله یک گروه متخصص متشکل از مربیان ، معلمان و مشاوران مدرسه و با همکاری کارشناسان مجرب در امر ارزیابی و تشخیص اختلالات و ناتوانی های خاص تحصیلی و نیز مساعدت والدین مقدور خواهد بود. در تشخیص دقیق این اختلال پرداختن به تعریف جامع از ناتوانی های یادگیری و ویژگی های این کودکان کاملاً ضروری است، زیرا برداشت های ناصحیح و تشخیص های نادرست و برچسب های ناروا در ارتباط با این کودکان بیش از سایر کودکان استثنایی وجود دارد(کاکاوند، ۱۳۸۵).

شناسایی سریع و ارائه آموزشهای متناسب با ویژگی های کودکان، آن هم در دوران خردسالی سهم فزاینده ای را در شکوفایی استعدادهای شناختی بر جای می گذارد. گزارش های بالینی در مورد رنج های فردی کودکان دچار ناتوانی یادگیری از گوشه و کنار جهان شباهت های چشمگیری باهم

دارند. این مشکل در کودکان به هنگام یادگیری زبان نوشتاری، چه براساس نظام الفبایی (نظیر زبان انگلیسی) و چه بر اساس نظام تصویری (نظیر زبان چینی)، ظاهر می شود. نگرانی فزاینده ای در مورد کودکان و نوجوانان دچار ناتوانی یادگیری وجود دارد، زیرا در یادگیری مهارت های تحصیلی و مهارت های دیگر، به رغم داشتن استعداد ذهنی برای آموختن آنها، مشکلات بسیار زیادی دارند. اما معمای کودکانی که با مشکلات فوق العاده ای در یادگیری مواجه می شوند موضوع تازه ای نیست. در طول سالیان متمادی، کودکان از تمام طبقات جامعه مشکلاتی را در یادگیری تجربه کرده اند. در سال های بعدی دوره ابتدایی، به موازات دشوار تر شدن برنامه تحصیلی ممکن است در سایر زمینه ها نظیر مطالعات اجتماعی یا علوم مشکلاتی پدید آید. مشکلات عاطفی نیز پس از چند سال شکست مکرر شدت می یابد، زیرا دانش آموزان نسبت به پیشرفت خود در مقایسه با همکلاسی هایشان هشیارتر می شوند. برخی مشکلات اجتماعی و ناتوانی در دوست یابی و حفظ روابط دوستانه در این مقطع سنی اهمیت بیشتری می یابد (لرنر، ۱۹۹۷).

به دلیل ضعف نظری و تحقیقاتی در زمینه تعریف، سبب شناسی، شیوع، تشخیص افتراقی و مداخلات درمانی ناتوانی یادگیری، این عارضه همچنان در حاله ای از ابهام قرار گرفته و مفهوم سازی دقیقی از آن در دست نمی باشد. در این میان اولین سنگ بنای بررسی این عارضه را شناسایی و سنجش آن تشکیل می دهد (فلاح چای، ۱۳۸۴).

چنانچه دانش فنی در زمینه آزمونهای روان شناختی بسیار اندک باشد و در کشور توجهی به آنها نشود، شاهد ارائه خدمات روان شناختی ضعیف و نادرستی بوده که این گونه خدمات روان شناختی، نه تنها از مقبولیت و رسمیت قانونی برخوردار نیستند، بلکه با ویژگی های روان شناختی شخص دریافت کننده خدمات نیز، هیچ گونه هماهنگی را نشان نمی دهند. امروزه آزمون روان شناختی از اهمیت فزاینده ای در فرایند اندازه گیری و سنجش روان شناختی برخوردار است به طوری که کار شناسان روان سنجی به

دنبال تدوین ابزارهای دقیق روان شناختی اند و تلاش های فزاینده ای را در راستای توسعه آزمون روان شناختی با ساختار سازی و تهیه آزمون های روان شناختی در زمینه های متفاوت و به خصوص سازه هوش صورت می دهند. اگر آزمون روان شناختی به گونه ای صحیح انتخاب نشود یا به طور دقیق اجرا و نمره گذاری نشود، نمی توان توقع تفسیری مناسب از اطلاعات حاصله را در ذهن پرورش داد و کیفیت فرایند سنجش را در سطح مقبولی پذیرفت. از این رو باید تمامی شرایط در وضعیت مساعدی قرار گیرند تا فرایند سنجش از مقبولیت بالایی برخوردار باشد. انتخاب آزمون روان شناختی مناسب، اجرا و نمره گذاری دقیق، تجربه و تخصص آزمون گر و رعایت مسائل اخلاقی، همه از جمله مواردی اند که در فرایند سنجش مد نظر قرار می گیرند. انجمن روان شناسان آمریکا اعتقاد دارد، آزمون روان شناختی باید از روایی و اعتبار مقبولی برخوردار باشد، از طریق فرایندی دقیق کاملاً " مشخص، اجرا و نمره گذاری شود و با تأکید بر هنجارهای موجود، بتواند تفسیر مناسبی را بر مبنای نمونه ای از رفتار، صورت دهد (افروز و کامکاری، ۱۳۸۸).

از اینرو، با در نظر گرفتن مسائل فوق، می توان کارشناسان ناتوانی یادگیری با استفاده از یافته های این تحقیق و با تشخیص و شناسایی به موقع این افراد جهت ارائه برنامه مداخلاتی مؤثر در مورد آنها، نه تنها زمینه ی ایجاد آینده بهتر برای آنان را ایجاد کنند، بلکه باعث حفظ و پرورش هرچه بهتر و بیشتر این سرمایه های انسانی خواهند شد.

۱.۴ اهداف تحقیق :

استفاده از آزمون های هوشی نامعتبر در حیطه های آموزش و پرورش کودکان استثنایی و فقدان ملاک مطمئن جهت شناسایی کودکان ناتوان یادگیری، باعث شده است تا سنجش های غیردقیقی صورت گرفته و امکان شناسایی این افراد و غربالگری آنها تا قبل از ورود دانش آموز به مدرسه وجود نداشته باشد و این محدودیت در حوزه شناسایی به موقع دانش آموزان ناتوان یادگیری ضربه مهلکی بر انگیزه و پیشرفت

تحصیلی آنها وارد کند. این ضربه ها در برخی از موارد آنقدر شدید است که بهترین سن مداخلات ترمیمی و اصلاحی از دست رفته و دیگر امکان جبران زمان از دست رفته، وجود ندارد.

بنابراین در این پژوهش به بررسی ویژگی های روان سنجی نسخه نوین هوش آزمای تهران استنفورد بینه و نسخه چهارم وکسلر کودکان با تأکید بر روایی تشخیصی آنها پرداخته می شود تا بتوان مقدمات لازم جهت ایجاد یک ابزار ترکیبی مناسب و کاربردی جهت تشخیص و شناسایی کودکان با ناتوانی یادگیری را فراهم کرد. به عبارت دیگر هدف این پژوهش این است که اگر حجم نمونه خاصی از دانش آموزان را که احتمال دارد همگی آنها دارای ناتوانی یادگیری باشند، با این دوا بزار بسنجیم این دوا بزار چند درصد یا چه نسبتی از آنها را به عنوان دانش آموزان با ناتوانی یادگیری تشخیص داده و غربال می کند. در این راستا اهداف پژوهش حاضر را می توان به شکل زیر عنوان کرد:

- بررسی روایی تشخیصی نسخه نوین هوش آزمای تهران استنفورد بینه در دانش آموزان ناتوان یادگیری.
- بررسی روایی تشخیصی نسخه چهارم مقیاس هوش وکسلر کودکان در دانش آموزان ناتوان یادگیری.
- بررسی ضریب حساسیت نسخه نوین هوش آزمای تهران استنفورد بینه در دانش آموزان ناتوان یادگیری.
- بررسی ضریب وضوح گرایی نسخه نوین هوش آزمای تهران استنفورد بینه در دانش آموزان ناتوان یادگیری.
- بررسی ضریب حساسیت نسخه چهارم مقیاس هوش وکسلر کودکان در دانش آموزان ناتوان یادگیری.
- بررسی ضریب وضوح گرایی نسخه چهارم مقیاس هوش وکسلر کودکان در دانش آموزان ناتوان یادگیری.

۵. ۱ تعریف متغیرها :

تعریف نظری متغیرها:

ناتوانی یادگیری:

این اصطلاح به یک نوع نارسایی شناختی در یک یا چند فرایند ذهنی در حوزه درک صحیح زبان گفتاری، نوشتاری، شنیداری، فکر کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن و محاسبات ریاضی مربوط می شود.

این گروه از کودکان قدرت بینایی و شنوایی خوبی برخوردار بوده و از ضریب هوشی متوسط یا بالاتر از متوسط بهره مند شده اند، اما در عین حال با روشهای معمول و متداول آموزشی قادر به درک و فهم و یادگیری مطالب نمی باشند (افروز، ۱۳۸۷).

دانش آموزانی دچار ناتوانی خاص در یادگیری هستند که، (۱) هنگامی که تجربه های مناسب یادگیری برای او فراهم شود، در یک یا چند زمینه خاص متناسب با سن و سطوح توانایی خود پیشرفتی نداشته باشد.

(۲) تفاوت فراوانی بین پیشرفت و توانایی هوشی دانش آموز در یک یا چند مورد از هفت زمینه زیر وجود داشته باشد. الف) بیان شفاهی، ب) درک شنیداری، ج) بیان نوشتاری، د) مهارت پایه برای خواندن، ه) درک مطالب خواندنی، و) محاسبات ریاضی، ز) استدلال ریاضی (لرنر، ۱۹۹۷).

حیطه های کلامی و غیر کلامی:

حیطه های کلامی به عنوان نوع خاصی از توانایی های هوشی مطرح می شود که با کنش های مرتبط با زبان، ابهامات کلامی، خزانه لغات و حافظه جملات سرو کار داشته و در یادگیری آموزشگاهی تأثیر می گذارد. حیطه های غیر کلامی با دانش رویه ای، ماتریس ها و سری بندی اشیا، طراحی بلوک و شکل دهی الگوهای خاص سرو کار دارند (روید^۱، ۲۰۰۵).

استدلال سیال:

استفاده آگاهانه و کنترل شده عملکردهای ذهنی، برای حل مسائل جدید که به صورت خودکار صورت نمی گیرد. به طور کلی استدلال استقرایی، قیاسی و منطقی شاخص های مهم استدلال سیال در نظر گرفته می شوند. استدلال سیال به توانایی رفتار کردن با درجات شناختی پیچیده بالاتر ارتباط داده شده است، که

¹-Roid

اصولاً" در پردازش عمیق تر و متفاوت شناختی، اساسی در طی عملکردهای شناختی کارآمدتر شناخته شده است (مک گرو^۱، ۲۰۰۹).

دانش :

به مجموعه اطلاعاتی اطلاق می شود، که از طریق مدرسه و یا محیط خانه به افراد منتقل می شود . تمامی اطلاعات عمومی به نوعی در حیطه دانش قرار می گیرد در نظریه کتل از این عامل، به عنوان هوش متبلور یاد شده است (روید ، ۲۰۰۵).

استدلال کمی :

به توانایی برای سروکار داشتن با ارقام و حل مسائل کمیتی که در حیطه توانایی محاسبات انجام می گیرد، اطلاق می گردد و از آن به عنوان دانش ریاضی خاص نیز یاد می شود (روید، ۲۰۰۵).

پردازش دیداری فضایی :

توانایی تولید، ذخیره، بازیابی و انتقال تصاویر دیداری و حساسیت در قدرت تجسم است (مک گرو، ۲۰۰۹). به توانایی مشاهده الگوها در راستای جهت گیری تجسمی و کشف روابط فضایی، انتزاعی اطلاق گردیده و معرفه‌ای از توانمندی تصویرسازی است (روید، ۲۰۰۵).

حافظه فعال :

بدلی^۲ و هیچ^۳، چنین استدلال کرده اند که مفهوم حافظه کاری (حافظه فعال) باید جایگزین مفهوم انباره کوتاه مدت شود. نظام حافظه کاری آنها سه مؤلفه دارد:

الف – عامل اجرایی مرکزی که به حس خاصی بستگی ندارد و در مقام توجه عمل می کند.

¹ -McGrew

² -Baddeley

³ - Hitch